

نقد و بررسی کتاب بن‌مایه‌های یهودی در فلسفه اسپینوزا

سیدمصطفی شهرآیینی*

بیان کریمی**

چکیده

در مقاله حاضر کتاب بن‌مایه‌های یهودی در فلسفه اسپینوزا را معرفی، نقد، و بررسی خواهیم کرد. این کتاب را انتشارات دانشگاه ایالتی نیویورک با عنوان *Jewish Themes in Spinoza's philosophy* در سال ۲۰۰۲، با ویرایش دو متخصص برجسته اندیشه اسپینوزا و مطالعات یهودی، یعنی هایدی راون و لن گودمن، منتشر کرده است. بسیاری از منتقدان سرشناس بر این باورند این کتاب نخستین تلاش جدی برای فهم اندیشه اسپینوزا و نشان‌دادن جایگاه آن در تاریخ فلسفه یهودی است. در این کتاب از سنت رایج دیگر کتاب‌هایی که به زبان انگلیسی در این باره منتشر شده‌اند پیروی نشده است و برای نخستین بار موضوعات مهم فلسفه اسپینوزا و بن‌مایه‌های یهودی آن بررسی شده است. هدف از تدوین کتاب معرفی اسپینوزا هم‌چون فیلسوفی یهودی است. با این حال سرویراستاران محترم در گزینش مقالاتی یک‌دست، چه از حیث موضوع و چه از حیث محتوای تخصصی، توفیق چندانی نداشته‌اند و نبود فصلی خاص نتیجه‌گیری نیز شاید به نوعی نشان‌دهنده همین باشد که نمی‌شود از این مقالات صدای واحدی را درباره ارتباط اسپینوزا با یهودیت شنید.

کلیدواژه‌ها: اسپینوزا، راون، گودمن، فلسفه یهودی، مابعدالطبیعه، معرفت‌شناسی، سیاست.

* دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه تبریز، m-shahraeini@tabrizu.ac.ir

** دکترای فلسفه، دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)، karimibaian@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۴

۱. مقدمه

پیش از نقد و بررسی کتاب *بن‌مایه‌های یهودی در فلسفه اسپینوزا* لازم است در مقدمه نکاتی چند را بیاوریم تا خواننده ذهنیتی روشن درباره آن به دست آورد: معرفی ویراستاران کتاب؛ معرفی شناسنامه‌ای، شکلی، ویژگی‌ها، و محورهای اصلی کتاب.

۱.۱ معرفی ویراستاران

ویراستاران کتاب هایدی راون (Heidi M. Ravven) و لِن گودمن (Lenn E. Goodman) هستند. هایدی راون متولد ۱۹۵۲، اسپینوزاشناس معاصر، استاد مطالعات دینی در کالج همیلتون^۱ است که از سال ۱۹۸۳ به تدریس و مطالعه مبانی اندیشه یهودی و متفکران سرشناس این حوزه مشغول بوده است و از سال ۱۹۸۷ پژوهش در باب فلسفه اسپینوزا را آغاز کرده است. حوزه‌های اصلی پژوهشی او عبارت‌اند از: فلسفه اسپینوزا، فلسفه یهودی، روان‌شناسی اجتماعی. از او آثار بسیاری در باب اندیشه فلسفی اسپینوزا، ابن‌میمون، هگل، اخلاق یهودی، و فمینیسم یهودی در دست است. نوشتن مقالات متعدد و مهم در باب اندیشه اسپینوزا حاکی از دغدغه و علاقه او به اندیشه این فیلسوف قرن هفدهم است. در این مقالات کتاب‌های *رساله الهی سیاسی، اخلاق، و اصلاح فاهمه* را تحلیل و بررسی کرده است و هم‌چنین به موضوعات مهم اندیشه اسپینوزا چون میل، آزادی، حق، جوهر، و دین توجه داشته است. راون چندین مقاله نیز در باب تطبیق اندیشه اسپینوزا با ابن‌میمون دارد و هم‌اکنون دست‌اندرکار نگارش کتاب *بازگشت اسپینوزا (The Return of Spinoza)* برای دانشجویان کارشناسی فلسفه و علاقه‌مندان به اندیشه اسپینوزاست. او در آکادمی فلسفه یهودی (The Academy for Jewish Philosophy) و انجمن اسپینوزای آمریکای شمالی (The North American Spinoza Society) فعالیت دارد و از اعضای فعال انجمن فلسفه آمریکا^۲ در بخش مطالعات یهودی است.

گودمن متولد ۱۹۴۴ فیلسوف معاصر یهودی - آمریکایی و اکنون استاد فلسفه و مطالعات یهودی در دانشگاه وندربیل^۳ آمریکاست. او دانش‌آموخته دانشگاه آکسفورد و متخصص فلسفه اسلامی و مطالعات تطبیقی اسلام و یهود و هم‌چنین فلسفه باستان است. در حوزه‌های اخلاق و مابعدالطبیعه نیز صاحب‌نظر است، سالیان سال در باب اندیشه فلسفی یهود پژوهش کرده است، درباره چهره‌های سرشناس اندیشه اسلامی و یهودی مقالات بسیاری دارد، و در باب فلسفه یهودی و اسلامی، فلسفه سیاسی، نظریه شناخت، و فرهنگ نیز

کتاب‌هایی نوشته است، از جمله *انسان‌گرایی اسلامی*، *ابن‌سینا*، *درباره عدالت*، *خلقت و تکامل*، *خدای ابراهیم*، *یهودیت*، *حقوق و ارزش‌های انسان*، و *فلسفه اسلامی و یهودی*. اما از آن‌جاکه این کتاب مجموعه‌مقالاتی در باب اندیشه اسپینوزا و رابطه آن با فلسفه یهودی است، علاوه بر گودمن و راون، اسپینوزاشناسان معروف دیگری نیز در تألیف مقالات این کتاب همکاری داشته‌اند که در بخش معرفی مقالات کتاب آنان را به اجمال معرفی خواهیم کرد.

۲.۱ معرفی کتاب

کتاب *بن‌مایه‌های یهودی در فلسفه اسپینوزا* مجموعه‌ای از مقالات نوشته چند اسپینوزاشناس متخصص در حوزه مطالعات و اندیشه دین یهودی است که انتشارات SUNY آن را منتشر کرده است.^۴ این کتاب در ذیل *SUNY series in Jewish Philosophy* منتشر شده است که سروراستار مجموعه کنس سسکین^۵ (Kenneth Seeskin) است. ذیل این مجموعه از سال ۱۹۸۹ تا کنون حدود سی جلد کتاب چاپ شده است که مقدمه‌ای بر *فلسفه یهودی جدید* (*An Introduction to Modern Jewish philosophy*) از نوربرت ساموئلسن (Norbert M. Samuelson) نخستین اثر از آن مجموعه است. در کل، هدف از چاپ این مجموعه معرفی فلسفه یهودی، دین یهودی، فیلسوفان شاخص یهودی، و بررسی موضوعات مشترک میان اندیشه فلسفی و آموزه‌های یهودی است.^۱ *بن‌مایه‌های یهودی فلسفه اسپینوزا* در قطع وزیری شامل ۲۹۰ صفحه است. زمینه طرح روی جلد آبی پُررنگ است که ستاره شش ضلعی زردرنگی بر این زمینه نقش بسته است. عنوان اصلی با قلم درشت سفیدرنگ و در زیر آن، در پایین، نام ویراستاران با قلم ریزتر از عنوان اصلی حروف‌چینی شده است. در پشت جلد هم معرفی کوتاهی از کتاب، جملاتی در باب اهمیت کتاب از دو متخصص حوزه اندیشه یهودی و فلسفه اسپینوزا، و معرفی کوتاهی از ویراستاران کتاب را می‌یابیم. در قسمت پایین در پشت جلد، نام سروراستار کل مجموعه SUNY، کنس سسکین، و نام ناشر کتاب آمده است. اکنون مشخصات کتاب‌شناختی اثر:

Ravven, Heidi and Lenn Goodman (2002), *Jewish Themes in Spinoza's Philosophy*, State University of New York.

این کتاب ۲۹۰ صفحه‌ای، شامل ۲۸۰ صفحه متن اصلی کتاب است و ۱۰ صفحه آغازین با حروف لاتینی از I تا IX شماره‌گذاری شده‌اند و البته صفحاتی که مطلب چندانی ندارند یا خالی‌اند شماره‌گذاری لاتینی ندارند. به‌طور کلی، این ده صفحه شامل صفحات

عنوان، اطلاعات فیبا، فهرست، سرآغاز، و دو صفحه خالی است. در ادامه، هداییه شامل متن برگزیده‌ای از اخلاق است که، در آن، کتاب به دوست‌داران اندیشه اسپینوزا اهدا شده است، و صفحه‌ای هم با عنوان اختصارات دارد. در نهایت، مطابق متن انگلیسی، چنان‌که از فهرست پیداست، متن اصلی کتاب شامل چهار بخش با عناوین خاص و هر بخش شامل یک تا چند مقاله در ذیل عنوان همان بخش است. بعد از بخش چهارم نیز، در پایان کتاب، شرح حال نویسندگان مقالات و نمایه‌ها آمده است.

چنان‌که گفتیم، متن اصلی کتاب چهار بخش دارد که به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. بخش اول «تمهید مقدمات» شامل دو مقاله است: ۱. مقدمه تفصیلی از راون و گودمن درباره نگرش‌های مختلف مطرح درباره پیوند اندیشه یهودی و فلسفه اسپینوزا، به هم‌راه چکیده‌ای از هر کدام از مقالات کتاب؛ ۲. «اخلاق اسپینوزا چه سهمی در فلسفه یهودی دارد؟» از لن گودمن؛

۲. بخش دوم، «مابعدالطبیعه»، شامل چهار مقاله است: ۱. «عشق به خدا در اندیشه اسپینوزا»، نوشته لی رایس (Lee C. Rice)، استاد فلسفه دانشگاه مارکت^۱ و متخصص فلسفه اسپینوزا. از فعالیت‌های پژوهشی او هم‌کاری در ترجمه مجموعه آثار اسپینوزا به زبان انگلیسی و تألیفات و مقالات متعدد درباره اسپینوزا است، و حس، میل و کوناتوس در اندیشه اسپینوزا نیز از آثار اوست؛ ۲. «عبری‌گرایی مابعدالطبیعی اسپینوزا» از وارن هاروی (Warren Zev Harvey)، استاد فلسفه دانشگاه مونترال و از محققان برجسته اندیشه یهود؛ مطالعات او درباره فلسفه یهودی از عهد باستان تا عصر حاضر را در بر می‌گیرد و به اندیشه هابز و اسپینوزا و فیلسوفان یهودی عصر جدید نیز پرداخته است و مقالات متعددی را در این باره تألیف کرده است، از جمله: طبیعیات و مابعدالطبیعه در اندیشه حسدای کرسکاس؛ ۳. «ابن‌میمون، اسپینوزا، و مسئله خلقت»، از کنس سسکین، متخصص فلسفه یهودی، فلسفه دین، و فلسفه قرون وسطی. شهرت او در تفسیر آرا و آثار متفکران یهودی هم‌چون ابن‌میمون، اسپینوزا، و کوهن است. از آثار او می‌توان به موضع ابن‌میمون درباره منشأ جهان و فلسفه یهودی در عصری دنیوی‌گرا اشاره کرد؛ ۴. «آن کلمه عبری: اسپینوزا و مفهوم شخینه»^۷ از وارن مونتج (Warren Montage)، استاد ادبیات انگلیسی و تطبیقی دانشگاه کالیفرنیا؛ از او مقالات و کتاب‌های بسیاری درباره اندیشه اسپینوزا در دست است که از جمله می‌توان به اسپینوزای جدید و اسپینوزا و معاصرانش اشاره کرد؛

۳. بخش سوم «الهیات و معرفت‌شناسی» شامل سه مقاله است: ۱. «ابن‌میمون و اسپینوزا و کتاب ایوب» از ادوین کرلی (Edwin M. Curley) اسپینوزاشناس معاصر و مترجم آثار او

که استاد فلسفه دانشگاه میشیگان است. از او کتاب‌ها و مقالات بسیاری در باب اندیشه دکارت و به‌ویژه درباره اسپینوزا دارد. کتاب‌های *مابعدالطبیعه اسپینوزا* و *روش هندسی اسپینوزا* از مهم‌ترین آثار اوست؛ ۲. «گسست اسپینوزا از سنت: اشاره‌های او به مدرنیته یهودی» از هایدی راون (که شرح حال او را پیش‌تر در بخش معرفی ویراستاران کتاب آوردیم)؛ ۳. «چرا اسپینوزا بنی‌اسرائیل را برگزید: کارکرد الگومحور نبوت در رساله *الهی‌سیاسی*» از مایکل روزنتال (Michael A. Rosenthal)، متخصص فلسفه قرون وسطی و فلسفه یهودی و استادیار فلسفه کالج گرینل آیوا (Iowa) در آمریکا. از او مقالاتی در باب فلسفه سیاسی اسپینوزا در دست است؛

۴. بخش چهارم «موقعیت تاریخی» شامل یک مقاله است: «تکفیر اسپینوزا» از ریچارد پاپکین، فیلسوف معاصر آمریکایی که آثاری هم‌چون *کلیات فلسفه و تاریخ شکاکیت* از اوست.

۲. تحلیل بیرونی و خاستگاه اثر و مؤلف آن

در کتاب پیش‌رو، مسئله اصلی این است که در فلسفه اسپینوزا چه چیزی یهودی و چه چیزی غیریهودی است؟ یعنی تحقیق در باب پیشینه آرای یهودی در باب فلسفه اسپینوزا و تحلیل و توصیف تاریخی موضوعات هدف نیست و نویسندگان نمی‌خواهند از منظری تجددگرا در باب پیشینه آرای یهودی در فلسفه اسپینوزا و زوایای گوناگون اندیشه او تحقیق کنند. کتاب حاضر در قالب هیچ‌کدام از دو نگرش سستی و تجددگرا به فلسفه اسپینوزا جای نمی‌گیرد که بر پیش‌فرض‌ها و مبانی تاریخی استوارند؛ زیرا مسائل مطرح در این دو نگرش، با وجود جذابیت و اهمیتشان، جزء دغدغه‌های نویسندگان کتاب *بن‌مایه‌های یهودی در فلسفه اسپینوزا* نیست. اهداف کلی نویسندگان کتاب را در پرسش‌های زیر می‌توان خلاصه کرد: آیا فلسفه اسپینوزا فلسفه‌ای یهودی است؟ اهمیت اندیشه اسپینوزا برای فلسفه یهودی در مقام جریانی زنده و معاصر چیست و بر خط سیر فلسفه یهودی در اکنون و آینده چه تأثیری دارد (Ravven and Goodman 2003: 3).

در میان آثار انگلیسی درباره اسپینوزا، پژوهش ولفسن^۸ در باب اثرپذیری اسپینوزا از اسلاف یهودی‌اش شناخته‌ترین است. کتاب *فلسفه اسپینوزا* از آثار او در این باره است که در دو مجلد اندیشه اسپینوزا و بن‌مایه‌های یهودی آن را شرح و تحلیل کرده است. مطالعات شلومو پانس^۹ نیز از آخرین تلاش‌ها در این زمینه است که از آثار متفکران دیگر برتر است.

دو مقاله مهم او در این باره عبارت‌اند از: «رساله الهی سیاسی اسپینوزا و سنت فلسفی یهودی» (Pines 1987) و «رساله الهی سیاسی اسپینوزا، ابن میمون، و کانت» (Pines 1968). اما گفتنی است که هردوی این متفکران با نگرشی تاریخی به پژوهش درباره این موضوع پرداخته‌اند (Ravven and Goodman 2003: 3, 16). وانگهی متفکران بسیاری هم‌چون هرمان کوهن^۱، امیل فاکنهایم^{۱۱}، امانوئل لویناس^{۱۲}، دیوید نوک^{۱۳}، لئو اشتراوس^{۱۴}، و جولیس گاتمن^{۱۵} هم هستند که اندیشه یهودی را از فلسفه اسپینوزا چنان جدا می‌دانند که به نظرشان هیچ اشتراکی میان این دو نمی‌تواند باشد^{۱۶}؛ که در این کتاب با این دیدگاه نیز مخالفت شده است. به‌طور کلی، تفاوت این کتاب با کتاب‌های دیگر این حوزه از دو حیث است: نخست، برخلاف دیدگاه‌هایی که هیچ پیوندی میان اندیشه یهودی و فلسفه اسپینوزا را نمی‌پذیرند، در این کتاب بر بن‌مایه‌های یهودی در اندیشه اسپینوزا تأکید شده است؛ دوم، نویسندگان مقالات این اثر در بررسی این پیوند و رابطه، برخلاف آثار رایج، نگاه فلسفی را جانشین نگرش تاریخی کرده‌اند. از این دو حیث این کتاب از کتاب‌های قبلی که در این باره چاپ شده است بدیع‌تر و شاید برای اهل فلسفه تخصصی‌تر است.

این کتاب برای شناخت نظریات فلسفی اسپینوزا از منظری تازه مفید است و در آن موضوعات مهمی بررسی می‌شود: هماهنگی یا ناهماهنگی عقاید اسپینوزا با منابع، مبانی، و موضوعات اندیشه یهودی چگونه است؟ اسپینوزا تا چه حد اندیشه قباله‌گرایی را به فلسفه یهودی اصیل و ناب وارد کرده است؟ عقاید سیاسی اسپینوزا در *رساله الهی سیاسی* و *رساله سیاسی* ناتمام چیست؟ آیا او در این آثار، چنان‌که خود به‌تلویح آورده است، سیاست یهودی را مطرح می‌کند؟ آیا اندیشه‌های اسپینوزا در باب زبان در کتاب *دستور زبان عبری* نگرش جدیدی را در فلسفه او مطرح می‌کند؟ کوتاه سخن این‌که، هدف این کتاب عبارت است از ارائه دیدگاه‌هایی بی‌طرفانه و برآمده از وسعت نظر درباره چستی اندیشه یهودی و جست‌وجوی بینش‌های اصیل و ثابت یهودی در فلسفه اسپینوزا. خواننده در مقالات متعدد این کتاب طیف وسیع و غنی از تحقیقات امروزی در باب فلسفه اسپینوزا را در پیوند با اندیشه یهودی پیش‌روی خود می‌یابد (ibid.: 4-6).

۳. تحلیل درونی و جایگاه اثر

این کتاب را شاید بتوان آغازگر نوعی ساختارشکنی در حوزه اسپینوزاپژوهی دانست، زیرا از نظر سرویراستاران این مجموعه افقی در آن گشوده می‌شود که اسپینوزا را هم‌چون

متفکری یهودی معرفی می‌کند. نویسندگان این مقالات آشکارا می‌کوشند تا جنبه‌های ثابت و پایداری از اندیشه‌های یهودی را در فلسفه اسپینوزا بیابند و نشان دهند. چکیده‌ای از محتوای هر کدام از مقالات ده‌گانه کتاب را، که (چنان‌که آوردیم) در چهار بخش «تمهید مقدمات»، «مابعدالطبیعه»، «الهیات و معرفت‌شناسی»، و «موقعیت تاریخی» تنظیم شده‌اند، از نظر می‌گذرانیم.

۱.۳ تمهید مقدمات

چنان‌که گفتیم، بخش نخست شامل دو مقاله است: «مقدمه» و «اخلاق اسپینوزا چه سهمی در فلسفه یهودی دارد؟». در مقاله نخست، راون و گودمن به شکل مقدماتی دیدگاه‌های متفکران در باب پیوند اندیشه یهودی با فلسفه اسپینوزا را طرح کرده‌اند و معتقدند بیش‌تر صاحبان دیدگاه‌های جدید اندیشه یهودی را از فلسفه اسپینوزا جدا می‌دانند. در ادامه، کتاب‌هایی را که در این حوزه وجود دارد معرفی می‌کنند. به‌زعم آنان، اگرچه کتاب‌های انگلیسی منسجم و مفیدی در این باره هست، بیش‌تر نگرشی تاریخی به موضوع در آن‌ها غلبه دارند، در حالی که اساس کتاب حاضر بر نگرشی فلسفی است و همان‌طور که از بخش‌بندی کتاب نیز آشکار است، به مابعدالطبیعه، اخلاق، الهیات، و معرفت‌شناسی اسپینوزا در پیوند با فلسفه یهودی اختصاص دارد (ibid.: 3-5). در ادامه، خلاصه‌ای دقیق و منسجم از تمامی مقالات کتاب آمده است که خواننده با مطالعه آن به‌سادگی کلیاتی از محتوای مقالات متعدد کتاب را درمی‌یابد.

گودمن در مقاله دوم از بخش نخست، «اخلاق اسپینوزا چه سهمی در فلسفه یهودی دارد؟»، به‌شکلی کامل و مفصلی فلسفه اسپینوزا مرور می‌کند و مباحث بسیاری را در فلسفه اسپینوزا می‌یابد که در فلسفه یهودی نیز وجود دارند. او فلسفه اسپینوزا را از منظری جدید بررسی کرده است و در بنیان عقاید و نظریات اندیشه اسپینوزا نگرش‌هایی مستقل از مواضع فلسفه گذشتگان یافته است. واحد و کثیر، آزادی و جبر، نفس و بدن، هست و باید، قدرت و عدالت، عقل و حس، حدوث و قدم، دانش و شک، مطابقت و انسجام، تعالی و حلول، فناپذیری و فناپذیری، و غایت و سازوکار دوگانه‌های آشتی‌پذیر دستگاه فلسفی اسپینوزا هستند. از نظر گودمن این‌ها وحدت و ترکیبی از مفاهیم دوگانه فلسفی است که قداماً فقط یکی از آن‌ها را می‌پذیرفتند و دیگری را نفی می‌کردند. مهارت‌های دیالکتیکی در خلق مفاهیم و التزام به وحدت‌گرایی نظری مابعدالطبیعه اسپینوزا

را به یکی از منسجم‌ترین و پیشرفته‌ترین دستگاه‌های فلسفی تبدیل کرده است. نویسنده این وحدت را از ویژگی‌های فلسفه یهودی قلمداد می‌کند که به‌زعم وی اندیشه اسپینوزا در ترکیب مفاهیم حاکی از اثرپذیری عمیق او از فلسفه یهودی است. از منظر او مسائل مهم در اندیشه یهودی که در بستر اندیشه اسپینوزا مطرح می‌شود همان مسائل مهم فلسفه‌اند. گودمن در ژرفای اندیشه اسپینوزا اصالت، نیرو، و فداکاری‌ای را نشان می‌دهد که بر وحدت‌گرایی یهودی و بر انگیزه‌های اخلاقی مبتنی است. فراتر از این‌ها، فلسفه اسپینوزا همان توحید یهودی را در مفهوم جدیدی مطرح می‌کند. به‌زعم پارکینسن نیز اسپینوزا بر این باور است که طبیعت از نظام واحدی تشکیل یافته است که با روابطی ضروری به هم پیوسته است (پارکینسن ۱۳۸۰: ۴۹).

۲.۳ مابعدالطبیعه

در بخش دوم، چهار مقاله در باب مابعدالطبیعه اسپینوزا هست: در مقاله «عشق به خدا در اسپینوزا»، نویسنده به موضوعی مهم، یعنی حلول خداوند در اندیشه یهودی، اشاره می‌کند که به‌زعم او شالوده مابعدالطبیعه اسپینوزاست. اسپینوزا سعادت پایدار را در عشق مشتاقانه به خدا می‌داند، که آموزه‌های یهودی است. خردورزی اخلاقی و خدامحوری او نیز ریشه در فرهنگ یهودی دارد. رایس می‌گوید تاکنون کسی عشق به خدا را در اسپینوزا در کنار مبحث شناخت خداوند در نظام فکری او کنار هم نگذاشته است و او برای نخستین‌بار از این منظر به عشق الهی در اندیشه اسپینوزا پرداخته است. اسپینوزا سه گونه عشق به خدا را طرح کرده است که هر کدام از این سه با سه مرتبه شناختی که در کتاب *اخلاق* و در *اصلاح فاهمه* برشمرده است مطابقت دارد.^{۱۷} از نظر اسپینوزا، می‌توان متناظر با سه مرحله معرفت تخیلی، تعقلی، و شهودی در اسپینوزا از سه گونه عشق به خداوند نیز سخن گفت که هر کدام از آن‌ها تجلی عاطفی یکی از همان مراتب سه‌گانه شناخت است. عشق/شناخت در انسان، فعلی الهی و دراصل ظهور فعال همان حلول خداوند در عالم است. اسپینوزا این عقیده را هم‌چون بینشی از اندیشه یهودی قدیم برگرفته و پرورانده است. بنابراین عشق انسان به خدا و شناخت خدا از سوی او وجود بشر را کامل می‌کند. شناخت/عشق فقط هنگامی در کامل‌ترین صورت خود تحقق می‌یابد که خداوند موضوعش باشد.

در مقاله «عبری‌گرایی مابعدالطبیعی اسپینوزا»، اسپینوزا در مقام محقق برجسته زبان عبری معرفی می‌شود که خودش را «مرجعی تمام‌عیار در زبان عبری» می‌دیده است. دانش او در

این زبان فقط نظری نبود، بلکه سخن‌وری خبره و نویسنده‌ای صاحب‌سبک نیز بود. او از نخستین دست‌نویسان زبان عبری است، که زمان بسیاری را در اواخر عمر وقف نگارش صرف‌ونحو این زبان کرد. در کتاب *خلاصه صرف‌ونحو زبان عبری*، اسپینوزا نظریه نوآورانه‌ای درباب اهمیت اسامی زبان عبری مطرح کرد که ریشه در تحلیل مابعدالطبیعی او از جوهر، صفت، و حالت دارد. هم‌چنین او درصدد است تا ابعاد ممتاز زبان عبری را برحسب ویژگی‌های فرهنگی عبری‌زبانان توضیح دهد. گرچه اسپینوزا آشکارا کتاب *مقدس* را فاقد هر محتوای فلسفی می‌داند، نویسنده نشان می‌دهد که او زبان عبری را حامل مفهوم کاملی از جوهر می‌داند که در تصور مطلق از خدا در «یهوه» آشکار شده است.

«ابن‌میمون، اسپینوزا، و مسئله خلقت» سومین مقاله است که نویسنده مدعی است، درباره خلقت الهی، اسپینوزا موضعی غیریهودی و ابن‌میمون موضعی یهودی دارد. روشن است که یهودیت درکنار ایمان به خدا به تعالی خداوند از ماسوی‌الله قائل است و راه معمول برای تبیین توحید و تعالی خداوند قول به رابطه خالق و مخلوق، میان خدا و ماسوی‌الله، و التزام به حدوث زمانی مخلوقات است. ابن‌میمون قول به حدوث مخلوقات را از اصول شریعت می‌داند و حتی با استناد به سخن حضرت ابراهیم (ع) آن را از ارکان عالم می‌شمارد. این درحالی است که اسپینوزا در *اخلاق آشکارا* مفهوم خلقت و حدوث زمانی را کنار می‌گذارد و سخن از عالمی قدیم به‌میان می‌آورد که در آن از اراده و غایت ارسطویی - مدرسی خبری نیست. البته این الهیات طبیعت‌باورانه اسپینوزا تا اندازه‌ای تحت‌تأثیر علوم زمان او نیز است. نویسنده در این مقاله موضع اسپینوزا را درقبال موضوع خلقت و حدوث زمانی از منظر مخالفتش با دیدگاه ابن‌میمون در مقام فیلسوف و متکلمی یهودی به بحث می‌گذارد و مدعی است که نزاع میان این دو متفکر هنوز هم در میان متکلمان و فیلسوفان به‌قوت خود باقی است.

چهارمین و واپسین مقاله این بخش «آن کلمه عبری: اسپینوزا و مفهوم *شخینه*» است از وارن مونتج؛ نویسنده در این نوشته، با بررسی اسناد و مدارک مربوط به محاکمه یکی از دوستان نزدیک اسپینوزا در دادگاهی در هلند در سال ۱۶۶۶ و توجه به اهمیت مفهوم «شخینه» در اندیشه شخص محکوم و نقش آن در صدور محکومیت، به جایگاه این مفهوم در سنت یهودی و متون قباله‌ای می‌پردازد. او می‌کوشد تا نشان دهد که این مفهوم، که دراصل به همان حلول خداوند در عالم اشاره دارد، در نظام فکری اسپینوزا جایگاه ویژه‌ای دارد. واژه «شخینه» در زبان عبری به معنای سکنی‌گزیدن و چادرزدن است و با واژه «سکینه» در زبان عربی هم‌ریشه است. این واژه نخستین‌بار در متون خاخامی به‌کار رفته است و در

ادوار بعدی به مفهومی مهم در مکتب قبالا (kabbalah) تبدیل شده است. البته پیش از مکاتب عرفانی یهود، ردپای این اصطلاح را می‌توان در تلمود جست‌وجو کرد، آن‌جا که اندیشمندان برای تبیین دائمی حضور خداوند در این عالم، بدون آن‌که جسمانیتی برای او قائل باشند، از آن بهره می‌جستند. از شخینه در تفسیر آیاتی از کتاب مقدس نیز در معانی مختلفی از جمله مسکن، حضور الهی، و روشنایی یا جلال خداوند استفاده شده است. اگرچه اسپینوزا هرچند از بن‌مایه‌های قبالایی برای ترسیم مفهوم خود از شخینه استفاده کرده است، تلقی قبالایی از این مفهوم را به دو شیوه دگرگون کرد: نخست، فاصله میان خالق و مخلوق را، که در قبالا بدان تصریح می‌شود، برداشت؛ دوم، درمقابل دیدگاه قبالایی که شخینه را به مثابه تجلی الهی می‌دانست، به اتحاد روح و ماده در آن قائل شد و از این دیدگاه که ماده مجزا از خداست فاصله گرفت.

۳.۳ الهیات و معرفت‌شناسی

این بخش سه مقاله دارد: «ابن‌میمون، اسپینوزا، و کتاب ایوب» که در آن نویسنده سه متن را بررسی کرده است: الف) «کتاب ایوب» از عهد عتیق؛ ب) بخش‌هایی از «کتاب ایوب» در *دلالة الحائرین*^{۱۸} ابن‌میمون؛ ج) ارجاعات اسپینوزا به «کتاب ایوب» در *رسالة الهی سیاسی*. نویسنده مقاله را با توضیح درباره «کتاب ایوب» آغاز کرده است که آن را مهم‌ترین کتاب از مجموعه کتاب‌های عهد عتیق می‌شمارد. این کتاب، با محوریت مبحث شر در عالم، در قالب گفت‌وگویی طولانی میان ایوب پیامبر (ع) از سوی، و سه دوست او به نام‌های الیفاز تیمانی (Eliphaz the Temanite)، بلدد شوحی (Bildad the Shuhite)، و سوفرنعماتی (Zophar the Naamathite) از دیگر سوست و در پایان گفت‌وگو هم شخصی به نام الیهو (Elihu) وارد ماجرا می‌شود و سرانجام، این خود خداست که فصل ختام داستان را بر عهده می‌گیرد. نام ایوب پیامبر (ع) و «کتاب ایوب» با مسئله رنج درآمیخته است. کتاب ایوب از رنج انسان سخن می‌گوید و از این‌که چرا انسان‌های نیکوکار و صالح باید در این دنیا رنج بکشند؟ در واقع، می‌توان این کتاب دشوار و معماوار را کاوشی در زمینه مسئله شر بدانیم؛ حضرت ایوب در پاسخ به این مسئله می‌گوید راه حل این مسئله را نمی‌دانیم. کتاب ایوب معمایی است در پاسخ به معمایی دیگر؛ معمای شر و رنج و بی‌عدالتی در جهانی که بنا به تعالیم دینی تحت سیطره مطلق خدایی عادل است. در ادامه، درباره دیدگاه ابن‌میمون در باب صفات خدا با تأکید بر عدالت الهی سخن به میان می‌آید. به‌زعم نویسنده، ابن‌میمون در

دلالت‌الحائرين می‌کوشد، بی‌آن‌که مسائل را کتمان کند، هم شریعت را حفظ کند و هم فلسفه را؛ برای نمونه در مسئله عدل الهی، همان‌گونه‌که در فلسفه مقبول همگان است، او معتقد است که خدا نیز عادل است و عدالت را هم دوست دارد. اما اسپینوزا مفهوم عدل الهی را که در قرون وسطی مورد قبول و تأیید ابن‌میمون و ابن‌عزرا بود نمی‌پذیرد و بر آن است که بحث عدالت را نه در الهیات، بلکه در سیاست باید مطرح کرد (ibid.: 175).

در «گسست اسپینوزا از سنت: اشاره‌های وی به مدرنیته یهودی» نویسنده معتقد است اسپینوزا این جهان را محصولی خیالی می‌داند که به زبان نمادین ارائه می‌دهد. اسپینوزا زبان و دین را دو نیروی بنیادین تخیل قلمداد می‌کند که افراد را در کنار هم گرد می‌آورد. بنابراین، خیال شالوده اولیه اخلاق است و اسپینوزا هم در کتاب *اخلاق* و هم در رساله *الهی‌سیاسی* شیوه‌ای از پیشرفت و تعلیم و تربیت اخلاقی و عقلانی را نشان می‌دهد که ریشه در قدرت دینی دارد. در رساله *الهی‌سیاسی* اسپینوزا کارکردی آرمانی از خیال را در دین کشف می‌کند که دین می‌تواند به اشاعه اندیشه مردم‌سالار و تقویت دستگاه قضایی یاری رساند (Ravven 2002: 209). دین و انگیزش تخیلی آن می‌تواند اطاعت مشتاقانه خلق را به دستگاه حکومت برانگیزد و در نتیجه، خودمختاری و استقلال ذهن را به‌هم‌راه بیاورد. برای اشاره به کارکرد اجتماعی صحیح تخیل، اسپینوزا مثالی از امت بنی‌اسرائیل را در عهد باستان به نقل از کتاب *مقدس* می‌آورد. او اشاره به این دارد که باید قانون‌گذاران روزگار او از قوانین جاری در امت بنی‌اسرائیل در عهد باستان الگو بگیرند و حتی تا آن‌جا پیش می‌رود که رؤیای بازسازی هلند و همه جوامع جدید را با الگوگیری از ویژگی‌های امت یهود باستان در سر می‌پروراند (ibid.: 212).

«چرا اسپینوزا بنی‌اسرائیل را برگزید: کارکرد الگو محور نبوت در رساله *الهی‌سیاسی*»، عنوان سومین مقاله‌ای است که نویسنده استفاده اسپینوزا از امت یهود باستان را به‌مثابه نمونه تاریخی و الگویی جهانی موضوع پژوهش و کاوش خود قرار می‌دهد. دو پرسش اساسی شالوده مقاله را تشکیل می‌دهد: الف) چنین الگویی برای اسپینوزا از چه جایگاهی برخوردار می‌تواند بود؟ ب) سیاست بنی‌اسرائیل در عهد باستان برای هلندی‌ها چه معنایی می‌توانست داشته باشد که اسپینوزا از هلندی‌ها می‌خواهد آن را از منظر الگو بنگرند؟ این مقاله پنج بخش دارد که نویسنده می‌کوشد در هر بخش از زاویه‌ای خاص به موضوع اصلی مقاله پردازد: الف) خاستگاه و کارکرد الگو در *اخلاق*؛ که در این بخش بر دیدگاه‌های اسپینوزا درباره الگوی سرشت انسان به‌منزله نشانه‌ای روشن و بنیادی از غایت

اصلی یک الگو تأکید می‌شود مبنی بر این غایت الگوی تغییر صورت در ارزش‌ها از منفعت فردی و ذهنی به سنج‌های کلی و عینی است؛ ب) خاستگاه و کارکرد نبوت در رساله الهی‌سیاسی؛ کارکرد نبوت در بنیاد حکومت جز این نیست که الگویی را البته در سطح سیاسی و نه اخلاقی فراهم آورد و افراد را قانع کند که منافع شخصی را با تن دادن به اقتدار حکومت بهتر تأمین می‌شود؛ ج) نبوت و خرافات؛ به آسیب‌شناسی اسپینوزا از کارکرد نبوت در میان بنی اسرائیل در عهد باستان می‌پردازد و به این‌که چگونه تنش ذاتی میان خاستگاه‌های تخیلی جزئی امت بنی اسرائیل و دعاوی کلی‌اش در مقام الگو در تاریخ این امت ظهور و بروز پیدا می‌کند؛ د) بنی اسرائیل و هلند؛ روی سخن اسپینوزا در تبیینش از استفاده و سوءاستفاده از نبوت در میان بنی اسرائیل در عهد باستان مستقیم با هلند روزگار خویش و غیرمستقیم با نظریه‌های سیاسی دوران خود است؛ و) خاتمه: بنی اسرائیل، اسپینوزا، و ما؛ نویسنده می‌کوشد از تبیین اسپینوزا درباره نقش نبوت در پیدایش حکومت بنی اسرائیل و نیز از استفاده او از این تبیین برای سامان‌دهی وضعیت هلند آن روزگار به این نتیجه برسد که آیا ما نیز عناصری خیالی در جامعه امروزمان داریم که بتوانیم با الگوسازی براساس آن‌ها افراد را به تبعیت از قانون و حکومت ترغیب و تشویق کنیم.

۴.۳ موقعیت تاریخی

نویسنده در «تکفیر اسپینوزا» کوشیده است تصویر تازه‌ای از موضوع تکفیر اسپینوزا ارائه دهد. اتهام‌های بنیادی علیه اسپینوزا در حکم تکفیرش عبارت‌اند از: ۱. او معتقد است که خدا فقط به‌نحو فلسفی وجود دارد؛ ۲. به‌زعم وی روح هم‌راه با بدن می‌میرد؛ ۳. او شریعت موسی (ع) را در مقام شریعت راستین و مطلق انکار می‌کند (Curley 2005: 169). نویسنده مقاله بر آن است که تصویر رایج در تاریخ فلسفه درباره حکم تکفیر اسپینوزا را ویل دورانت در تاریخ فلسفه خود آورده است و چندان صحت تاریخی ندارد. درباره جزئیات دقیق محاکمه اسپینوزا اطلاعات زیادی در دست نیست و حتی خود اسپینوزا نیز در این باره با کسی صحبت نکرده بود. اسپینوزا در جلسه تکفیر خودش شرکت نکرد، زیرا وقتی این اتفاق افتاد دور از جامعه یهودی زندگی می‌کرد و بعدها نیز به آن برنگشت. این‌که بعضی‌ها تکفیر اسپینوزا در کنیسه و اخراجش از جامعه یهود را با محاکمه گالیله از سوی تفتیش عقاید و محکومیتش به حصر خانگی تا پایان عمر مقایسه می‌کنند اصلاً درست نیست (Popkin 2002: 274). تکفیر اسپینوزا نه در کنیسه و از سوی خاخام‌ها، بلکه در اتاق شورا که

ساختمانی کنار کنیسه بود و از سوی رؤسا یا معتمدان جماعت یهود وابسته به کنیسه (Parnassim) رخ داد که لزوماً هم شخصیت دینی نبودند. این مسئله در جامعه یهودی آمستردام، که گرفتار سیل پناه‌جویان فقیر و بی‌خانمان از سراسر اروپا و حتی برزیل بود، حادثه مهمی نبود و حتی سبب قطع ارتباط اسپینوزا با جامعه یهود هم نشد. در واقع، این جلسه حادثه‌ای محلی و کوچک در جامعه آمستردام بود که بعدها در مورد آن هیچ صحبتی نشد. علاوه بر این اسپینوزا آشکارا از مسئله تکفیر خود به‌شيوه‌های متعددی سود برد و موفق به چاپ آثارش بدون ترس از تفتیش عقاید خاخامی شد و چه‌بسا این مسئله به ترویج و گسترش بیشتر اندیشه او کمک کرد.^{۱۹}

۴. نقد و ارزیابی اثر

در این بخش در ذیل دو عنوان کلی ارزیابی صوری و ارزیابی محتوایی، که هر کدام شامل دو زیرعنوان برجستگی‌ها و کاستی‌ها می‌شود، کتاب را نقد صوری و محتوایی می‌کنیم و می‌کوشیم اثر حاضر را از حیث شکلی، ساختاری، انسجام، و نظم منطقی مطالب و احیاناً ناسازگاری‌های درونی آن بررسی کنیم.

۱.۴ ارزیابی صوری

۱.۱.۴ برجستگی‌ها

۱. خواننده ژرف‌بین با دیدن طرح جلد، یعنی ستاره زردرنگ و زمینه آبی کتاب، متوجه خواهد شد که کتاب در باب اندیشه یهودی است. ستاره داوود، که به سپر داوود هم معروف است، شکلی است مرکب از دو مثلث متساوی‌الاضلاع یکی رو به بالا و دیگری رو به پایین که روی هم قرار گرفته‌اند و امروزه بر پرچم رژیم صهیونیستی نیز نقش بسته است. ازدیدگاه یهودیان این ستاره نشانه بارز دین یهود است که تسلط قدرت الهی را بر سراسر گیتی و بر شش جهت اصلی نشان می‌دهد. در دین یهود این ستاره محافظ حضرت داوود (ع) بود که با امداد قادر مطلق حمایت می‌شد. رنگ آبی هم نماد رودهای نیل و فرات است که مرزهای اسرائیل را مشخص می‌کرد؛

۲. جلد کتاب متناسب با قطع و تعداد صفحات مشخص شده است و رو، پشت، و عطف جلد به‌صورت پیوسته است؛

۳. یکی دیگر از ویژگی‌های کتاب این است که فصل‌ها از صفحه فرد آغاز می‌شوند و شماره صفحات زوج سمت چپ و شماره صفحات فرد سمت راست قرار دارند؛
۴. از ویژگی‌های دیگر کتاب می‌توان به فهرست تفصیلی کتاب اشاره کرد که هر عنوان کلی را به تفصیل هم‌راه با عناوین فرعی نیز معرفی کرده است و خواننده با مراجعه به فهرست درمی‌یابد که در ذیل هر بخش چند مقاله مربوط به همان بخش آورده شده است؛
۵. برجستگی دیگر نحوه آغاز و پایان هر فصل از حیث صوری است که بعد از اتمام هر فصل صفحه‌ای خالی هست و در صفحه‌ای مجزا عنوان فصل بعد آمده است؛
۶. در پایان هر فصل خواننده خود را با پی‌نوشت‌ها و کتاب‌شناسی تفصیلی بسیار دقیق و راه‌گشای نویسنده روبه‌رو می‌بیند که بر ارزش تحقیقی کار بسیار افزوده است؛
۷. در پایان کتاب، نمایه جامعی از واژگان، مفاهیم تخصصی، نام‌های اشخاص، و دیگر مطالب مهم آمده است؛
۸. به‌طور کلی نثر انگلیسی و ویرایش ادبی اثر شیوا و روان است.

۲.۱.۴ کاستی‌ها

۱. اگرچه طرح جلد گویای ارتباط کتاب با یهودیت است، استفاده از این علامت بار معنایی برتری‌طلبی و نژادپرستی نیز دارد و فقط دلیل اصلی گسترش استفاده از آن در قرن نوزدهم میان یهودیان مقابله با صلیب مسیحیان بود. افزون‌براین که بر سر یهودی‌بودن یا نبودن این ستاره نیز اختلاف‌نظر جدی وجود دارد. برخی از منتقدان بر این باورند که اولین استفاده‌ها از این ستاره در متون ابتدایی قبلاً به‌زبان عبری است و هیچ پیشینه مستند و معتبری درباره یهودی‌بودن آن در دست نیست (Scholem 1949: 243, 251)؛
۲. شرح‌حال نویسندگان در انتهای کتاب آمده است که بهتر بود قبل از مقدمه کتاب می‌آمد تا خوانندگان قبل از ورود به متن اصلی کتاب با دغدغه و تخصص نویسندگان کتاب آشنا شوند؛
۳. معرفی کتاب در پشت جلد کتاب تاحدی مبهم است و در حد طرح دو پرسش برای چنین کتابی گویا نیست. بهتر بود در معرفی کتاب، به‌جای نقل‌قول از دو اسپینوزاشناس درباره ارزش کتاب، در بندی مستقل به تحلیل بیرونی کتاب و تفاوت آن با کتاب‌های دیگر اشاره می‌کردند؛

۴. کاستی دیگر کتاب نبودِ دانش‌واژه تخصصی یا دست‌کم اصطلاح‌نامه‌ای برای توضیح پاره‌ای اصطلاحات تخصصی است که از این حیث خواننده را با پرسش‌های بسیار روبه‌رو می‌کند.

۲.۴ ارزیابی محتوایی

۱.۲.۴ برجستگی‌ها

۱. شاید برجسته‌ترین ویژگی، که از همان آغاز کتاب توجه خواننده ژرف‌بین را به خود جلب می‌کند، مقدمه مفصل و بسیار منسجم ویراستاران کتاب است که شاید بهتر باشد بگوییم بیش از آن‌که مقدمه باشد فصلی است مستقل در معرفی کتاب و خلاصه‌ای است دقیق و منسجم از تمام مقالات کتاب که با تسلط و احاطه کامل به نگارش درآمده است و خواننده را به‌اجمال در جریان مطالب کتاب قرار می‌دهد؛

۲. همان‌طور که در مقدمه کتاب نیز آمده است، در این کتاب فلسفه یهودی و فلسفه اسپینوزا در پیوند با هم مطرح شده‌اند و تلاش بر این بوده است تا از منظری نو به موضوع نگریسته شود. از سنت رایج در کتاب‌های انگلیسی دیگر در این باره پیروی نشده است و موضوع برای نخستین بار از منظری فلسفی بررسی شده است؛

۳. ویژگی بارز دیگر این کتاب تقسیم‌بندی منسجمی است که به حوزه‌های گوناگون اندیشه اسپینوزا یعنی اخلاق، مابعدالطبیعه، معرفت‌شناسی، و الهیات مربوط می‌شود و در ذیل هر کدام از این بخش‌ها چندین مقاله جدید از متخصصان اندیشه اسپینوزا ارائه شده است؛

۴. نشان ویژه کتاب این است که در آن فقط به زبان توصیف و شرح دیدگاه‌های فلسفی اسپینوزا و رابطه آن با فلسفه یهودی بسنده نشده است و در جای‌جای فصول شاهد آنیم که نویسندگان بسیاری از پیش‌پنداشته‌های رایج دیگر را به چالش می‌شوند و از موضعی منحصر به فرد وارد بحث و تحلیل می‌شوند؛

۵. امتیاز دیگر کتاب به‌مثابه مجموعه مقالات، که چندین نویسنده در نگارش آن سهیم بوده‌اند، این است خواننده نه با نگاهی واحد، بلکه با نگاه‌های متفاوت به موضوعی تقریباً واحد روبه‌رو می‌شود که هر نویسنده‌ای از منظر تخصص خویش بدان موضوع نگریسته است؛

۶. این کتاب نخستین تلاش برای ارائه نگرشی جدی است در باب رابطه اندیشه اسپینوزا با فلسفه یهودی و از مهم‌ترین مجموعه‌مقالاتی است که برای فهم اسپینوزا و جایگاهش در تاریخ فلسفه یهودی بنیادی و ضروری است. در این کتاب خواننده با مجموعه‌ای از مقالات انتقادی و تخصصی در سطحی بسیار بالا روبه‌رو می‌شود که برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی و برای استادان حوزه فلسفه مطالب تازه و خواندنی بسیاری دارد که پیش‌تر به آن توجه چندانی نشده است. هم‌چنین منبع بسیار خوبی است برای انتخاب موضوعات جدید و بنیادی برای پژوهش و نیز برای پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری فلسفه و ادیان؛

۷. معتبر و مستند بودن منابع مقالات و اشراف نویسندگان به موضوع بحث از برجستگی‌های دیگر این اثر است. کلیه منابع و مآخذ استفاده‌شده، در زمره منابع دست‌اول‌اند و نویسندگان مستقیماً از آن‌ها استفاده کرده‌اند؛

۸. شاید یکی از امتیازهای اثر، که از حیث محتوایی اعتبار خاصی بدان می‌بخشد، وجود مقالاتی از اسپینوزاشناسان و نویسندگان مرجع و نام‌آشنایی هم‌چون ادوین کرلی، مایکل روزنتال، و ریچارد پاکین در آن است؛

۹. در بخش آخر نیز ریچارد پاکین در مقاله خودش تکفیر اسپینوزا را در بستر تاریخی‌اش بررسی می‌کند و تصویر روشنی از جامعه یهود روزگار اسپینوزا ارائه می‌دهد. نویسنده مقاله بر آن است که تصویر رایج در تاریخ فلسفه درباره حکم تکفیر اسپینوزا صحت تاریخی ندارد.

۲.۲.۴ کاستی‌ها

۱. شاید بهتر بود در بخش سوم کتاب، یعنی «مابعدالطبیعه»، موضوع مهم جوهر یا خدا در اندیشه اسپینوزا هم مطرح می‌شد و با طرح ویژگی‌های جوهر در اسپینوزا و خدای یهودی مقایسه‌ای مفصل انجام می‌پذیرفت تا اثرپذیری ایجابی اسپینوزا از اندیشه یهودی روشن می‌شد. اخلاق، جبر و اختیار، و جاودانگی نفس نیز از موضوعاتی است که جای آن‌ها در این اثر خالی است؛

۲. یکی از اهداف اثر کنونی، که در مقدمه کتاب نیز به آن تصریح شده است، بررسی و کاوش در تأثیر فلسفه اسپینوزا در آینده یهودیت است (3: *ibid.*)؛ در حالی که این موضوع در کم‌تر مقاله‌ای مستقیماً طرح شده است و نویسندگان مقالات فقط به ویژگی‌های مشترک اندیشه اسپینوزا با اندیشمندان یهودی و سنت یهودی بسنده کرده‌اند؛

۳. به نظر می‌رسد در این کتاب باید فصلی جداگانه نیز به ارزیابی، جمع‌بندی، و نتیجه‌گیری اختصاص می‌یافت. به عبارت دیگر بهتر بود ویراستاران اصلی کتاب مقاله‌ای را مانند فصل مربوط به مقدمه در بخش پایانی می‌گنجانیدند و در آن، پس از ارزیابی منسجم و مفصل مقالات، آن‌ها را نقد و تحلیل می‌کردند و ماحصل کتاب را از منظری واحد ارائه می‌دادند. دست‌کم باید در پایان کتاب به این پرسش محوری مطرح در مقدمه کتاب به تفصیل پاسخ می‌دادند که آیا اسپینوزا فیلسوفی است یهودی یا نه؟

۴. متن به لحاظ صوری فاقد وحدت موضوع است. تنوع موضوعات مطرح در کتاب به گونه‌ای است که خواننده را در پی‌گیری رشته واحدی از مباحث در تمام اثر با مشکل مواجه می‌کند؛

۵. ایراد دیگر این‌که، در صفحه چهار کتاب، عنوان *SUNY series in Jewish Philosophy* در وسط صفحه آمده است که نشان می‌دهد اثر حاضر یکی از این مجموعه است. اما هیچ توضیحی درباره این مجموعه در کتاب نیست، تاجایی که نویسندگان مقاله پیش‌رو نیز برای یافتن اطلاعاتی درباره این مجموعه مجبور به جست‌وجوی بسیار در فضای مجازی شدند تا در بخش معرفی اثر بیاورند؛

۶. نبود بخش کتاب‌شناسی مستقل درباره منابع و مآخذ اثر نیز ایرادی جدی بر اثر است، به گونه‌ای که اگر خواننده بخواهد منابع این اثر را بیابد مجبور است از طریق پی‌نوشت‌های متعدد فصول گوناگون کتاب و با زحمت فراوان بدان‌ها دست یابد؛

۷. نداشتن اصطلاح‌نامه خاص واژگان یهودی ایراد دیگر این اثر است. در مقالات متعدد این کتاب واژگانی وجود دارد که برای خواننده جدید است، اما هیچ‌گونه توضیحی درباره آن‌ها داده نشده است؛

۸. ایراد دیگر ناهم‌گونی سطح مقالات از حیث تخصصی است؛ مقاله‌ای کاملاً فلسفی و مقاله‌ای دیگر کلامی — فلسفی است و حتی گاه زبان‌شناسانه است که این، درکنار امتیازبودنش، می‌تواند ایراد هم محسوب شود که خواننده با خواندن این مقالات گویی از فضایی به فضایی دیگر منتقل می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

در پایان سخن باید گفت این اثر از حیث تخصصی جزء منابع دست‌اول در حوزه فلسفه اسپینوزا به‌شمار نمی‌آید، اما همه مقالات مندرج در آن نیز از اعتبار یکسانی

برخوردار نیستند. شاید، برخلاف ادعای صریحی که در مقدمه درباره متفاوت بودن اثر در مقایسه با سایر آثار در این باره آمده است، گاه چندان نوآوری خاصی در آن به چشم نمی‌خورد و از این دست تحقیقات در نسبت اسپینوزا با یهودیت بسیار است. به نظر می‌رسد سرویراستاران محترم در گزینش مقالاتی یک‌دست، چه از حیث موضوع و چه از حیث محتوای تخصصی، توفیق چندانی نداشته‌اند و نبود فصلی ویژه نتیجه‌گیری از این اثر نیز شاید به نوعی نشان‌دهنده همین باشد که نمی‌شود از این مقالات صدای واحدی را درباره نسبت اسپینوزا با یهودیت شنید. با وجود این که بسیار از موضوعات فلسفه اسپینوزا در این اثر مورد توجه قرار گرفته‌اند، شاید برجسته‌ترین چیزی که اثری از آن در مقالات این کتاب نیست بحث اخلاق اسپینوزاست که نام شاهکار فلسفی او نیز/اخلاق است. نمی‌توان اثری درباره اسپینوزا و یهودیت را که به ارتباط میان اخلاق و مابعدالطبیعه در نظام فکری او توجه نکرده باشد و ارتباط یا عدم ارتباط اخلاق اسپینوزا با آموزه‌های دینی یا سنتی یهود اصلاً در آن محل بحث واقع نشده باشد در موضوع فلسفه اسپینوزا و یهودیت کامل دانست. اما اثر از حیث استفاده در دوره‌های تحصیلات تکمیلی فلسفه و برای فهم دقیق‌تر زوایای نهفته اندیشه اسپینوزا منبع دست‌دوم بسیار خوبی است. توجه به نقش زبان عبری در اندیشه‌ورزی فلسفی و نیز بازاندیشی در مقوله تکفیر اسپینوزا، که شاید نخستین بار در این کتاب مطرح می‌شود، بسیار جالب توجه است. کتاب برای محققان حوزه کلام و ادیان نیز احتمالاً جالب توجه است.

پی‌نوشت‌ها

۱. کالج همیلتون کالج هنرهای آزاد در آمریکا در ایالت نیویورک واقع است.
۲. انجمن فلسفه آمریکا (American Philosophical Association) در سال ۱۹۰۰ تأسیس شد و هدف از تأسیس آن تبادل افکار فیلسوفان، ارتقای فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی، و معرفی فلسفه هم‌چون رشته‌ای علمی بود.
۳. دانشگاه وندربیل (Vanderbilt) دانشگاه معتبری است که در سال ۱۸۷۳ تأسیس شده است و گروه مطالعات یهودی آن در دانشکده هنر و علم واقع است.
۴. SUNY (مخفف State University of New York) از ناشران دانشگاهی است که سال ۱۹۶۶ تأسیس شد.
۵. درباره این شخصیت، که نویسنده یکی از مقالات اثر پیش‌روست، در ادامه توضیحاتی را می‌آوریم.

۶. مارکت (Marquette) اسم شهری است در میشیگان آمریکا

۷.

شخصیه واژه‌ای است عبری، در لغت به معنای سکونت و آرامش، لفظاً مؤنث و با واژه «سکینه» در عربی هم‌ریشه و هم‌معناست. این مفهوم در ادبیات دینی یهودی دلالت بر حضور الهی دارد. طبق اعتقاد یهودیان، هرچند خدا در همه‌جا حاضر است، استقرار شخصیه در بنی‌اسرائیل اختصاصاً بیش از اقوام بیگانه است. شخصیه هر جا که بنی‌اسرائیل باشد هست و در آینده نیز وقتی این قوم نجات یابد، با ایشان خواهد بود (Mansky 1987: vol. 13, 236).

۸. هاری آسترین ولفسن (Harry Austryn Wolfson) محقق بزرگ آمریکایی و استاد فلسفه و تاریخ علوم عقلی یهود و رابطه فلسفه و کلام مسیحیت و یهودیت با اسلام بود.

۹. شلومو پانس (Shlomo Pines) استاد فلسفه و محقق فرانسوی قرن بیستم است که در زمینه فلسفه یهودی و مطالعات تطبیقی اسلام و یهود تخصص دارد.

۱۰. هرمان کوهن (Hermann Cohen)، فیلسوف آلمانی یهودی تبار قرن نوزدهم، از پیروان کانت و بنیان‌گذار مکتب فلسفی موسوم به ماریبورگ در فلسفه نوکانتی است. او به نوعی مترادف میان یهودیت و مسیحیت قائل است.

۱۱. امیل فاکنهایم (Emil Fackenheim) اندیشمند یهودی در آلمان به دنیا آمد و در سال ۱۹۳۹ به درجه خاخامی رسید و از این‌رو، هویت یهودی سنگ‌بنای اندیشه اوست؛ او فلسفه اسپینوزا را به این دلیل نمی‌پذیرد که در این قسم فلسفه‌ها از یهودیان می‌خواهند که انسان (به معنای کلی آن) باشد و بار یهودی‌بودن را از دوش خود بردارد و هویتی نو مطابق با معیارهای نوین تمدن غرب کسب کند.

۱۲. امانوئل لویناس (Emmanuel Levinas) فیلسوف یهودی فرانسوی قرن بیستم است. آثار لویناس در زمینه یهودیت با طرح کلی فلسفی او پیوند دارد، تاجایی که کتز نشان می‌دهد که لویناس می‌کوشد تا با رجوع به «تربیت یهودی» «اومانیسیم جدید» مورد نظرش را ایجاد کند.

۱۳. دیوید نواک (David Novak)، فیلسوف یهودی - آمریکایی معاصر، که آثار بسیاری را در حوزه اندیشه یهودی نوشته است.

۱۴. لئو اشتراوس (Leo Strauss) نظریه‌پرداز و مورخ فلسفه سیاسی آلمانی - آمریکایی که در خانواده‌ای یهودی در آلمان به دنیا آمد.

۱۵. جولیس گاتمن (Julius Guttmann) فیلسوف یهودی آلمانی قرن بیستم است.

۱۶.

از منظر کوهن خصومت اسپینوزا با یهودیت واضح است و چه دلیلی واضح‌تر از این‌که وی ده بخش از *رساله الهی سیاسی* را به انتقاد از سندیت متن عهد عتیق و به نظرهای بحث‌انگیزی

در باب سرشت امر مقدس اختصاص داده است. اما از دیدگاه برخی مفسران اندیشه اسپینوزا، این اعتقاد کوهن فقط پرمبنای انتقادات اسپینوزا در رساله الهی سیاسی است، نه خوانشی درست از اخلاق او (Feldman 1997: 560).

۱۷.

اسپینوزا در رساله اصلاح فاهمه به چهار مرتبه از مراتب گوناگون شناخت اشاره کرده است که عبارت‌اند از: مسموعات، تجربه مبهم، معرفتی که در آن ماهیت یک شیء دیگر نه به نحو تام استنتاج می‌شود و ادراک شیء با ذات خود یا با علت قریب (اسپینوزا ۱۳۷۴: ۲۲-۲۳)؛ و در اخلاق آن‌ها را به سه مرتبه تقلیل داده است که عبارت‌اند از: شناخت نوع اول یا گمان یا تخیل، شناخت نوع دوم یا تعقل، و شناخت نوع سوم یا اشراق عقلی (اسپینوزا ۱۳۶۴: ۱۱۱-۱۱۲).

۱۸. دلالة الحائرين مهم‌ترین اثر کلامی و فلسفی ابن‌میمون به معنای راه‌نمای سرگشتگان است؛ او این کتاب را به عبری نوشت تا فقط خواص یهود از محتوای آن آگاه شوند. این اثر در نامه‌ای سه‌قسمتی به شاگردش، ربی یوسف بن اسحاق السبیتی، پسر ربی یهودا به نگارش درآمده است و منبع اصلی دیدگاه‌های فلسفی ابن‌میمون به‌شمار می‌رود.

۱۹. طرد و تکفیر در میان یهودیان ابداً امری غریب نبوده است و اخراج اسپینوزا از جامعه یهودی چنان‌که می‌گویند سهمگین نبوده است. بر اساس تعالیم تلمود، طرد و تکفیر جزای این گناهان است: «انتقاد از اعمال خاخام (حتی بعد از مرگ وی)، تهمت‌زدن به شریک با القاب موهن، برهم‌زدن قواعد اخلاق اجتماعی، نگه‌داشتن سگ خطرناک در خانه، با بی‌احترامی از خداوند یادکردن و جز این‌ها». جرم هرچه بود لعن‌نامه تغییر نمی‌کرد: «بگذار زخم‌های شدید و درمان‌ناپذیر او را از پای درآورد، بیماری‌های بی‌شمار و غریب ...»، «بگذار زمین او را ببلعد ... و غرش جهنم با مرگ او را کیفر دهد». طرد و تکفیر در یهودیت ابزاری برای حفظ نظم و اخلاق در اجتماع بود، اما اسپینوزا به هیچ‌کدام از این دلایل از جامعه یهود طرد نشد. در واقع، او جایی برای خود در آن اجتماع نمی‌یافت، جامعه یهود هم او را از خود راند، چون پیش‌تر بسیار از آن دور شده بود.

کتاب‌نامه

- اسپینوزا، باروخ (۱۳۷۴)، اصلاح فاهمه، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- اسپینوزا، باروخ (۱۳۹۰)، اخلاق، ترجمه محسن جهانگیری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پارکینسون، جورج ردکلیف (۱۳۸۰)، نظریه شناخت اسپینوزا، ترجمه سیدمسعود سیف، تهران: علمی فرهنگی.

- Edwin Curley (2005), "Spinoza", in: *Encyclopedia of Philosophy*, vol. 9.
- Feldman, Seymour (1997), "Spinoza", in: *History of Jewish Philosophy*, vol. 2, London and New York: Routledge.
- Idel, Moshe (1987), "Qabbalah", in: *The Encyclopedia of Religion*, Micrea Eliade (ed.), vol. 12, New York: MacMillan Publishing Company.
- Mansky, Ellen, (1987), "Shekhina", in: *Encyclopedia of Religion*, vol.13, London.
- Pines, Shlomo (1968), "Spinoza's *Tractatus Theologico-Politicus* and Maimonides and Kant", in: *Further Studies in Philosophy*, Ora Segal (ed.), vol. 20.
- Pines, Shlomo (1987), "Spinoza's *Tractatus Theologico-Politicus* and the Jewish Philosophical Tradition", in: *Jewish Thought in the Seventeenth Century*, Isadore Twersky and Bernard Septimus (eds.), Cambridge: Harvard University Press.
- Ravven, Heidi and Lenn Goodman (2002), *Jewish Themes in Spinoza's Philosophy*, New York: State University.
- Scholem, Gershom (1949), "The Curious History of the Six-Pointed Star", *Commentary*, vol. 8.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی